

عنوان مقاله:

مرگ اندیشی در دیدگاه مولانا

محل انتشار:

سومین همایش متن پژوهی ادبی (نگاهی تازه به آثار مولانا) (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسنده:

ماه نظری - دانشیارگروه زبان وادبیات، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

خلاصه مقاله:

مبارزه با دشمن درون یعنی مرگ اختیاری، بهترین طریق برای تهذیب نفس وریاضتکشی است تا دوباره به ذات مقدس اتصال یابیم و یکی از موضوعات محوری در عرفانومثنوی معنوی است. مرگ، باجلوه های گوناگون خود، یکی از مهم ترین مسایلی است که اغلب، فکر مردم را به خود مشغول داشته، توام با هراسی وصف نشدنی. امامحبان حق، نقشی ازهستی مطلق می بینند که به دیگرنقش ها عشق نمی ورزند. عارفهرلحظه، تظهير نفس می نماید ودر سبحات قدس، عاکف است این مرگ جویان نه، بهخاطرعجزورنج، جویای نیستی و مرگند، بلکه در خرابات، گنج جاودان می جویند و آزموده اند که رهایی از چاه ظلمانی نفس، پابندگی است. این نیستی عین وصلست و چون پلیاست که حبیب را به حبیب می رساند پس ظاهرش مرگست ودر باطن برگست وچهرهی مرگ درنظرشان معشوقی است خوش لقا که تنگ درآغوشش می کشند و دلچ جسمرا نثار می کنند تا جانی تازه، به ارمغان بگیرند. در دیدگاه مولانا، مرگ هر کس همرنگخود اوست پیش دشمن، دشمن وپیش دوست، دوست. آنان که ازمرگ ترسانند، از خودمی ترسند و باطن شان معیوب وسیه رخسار است. در این مقاله، نگرش مولانا، بهمقوله ی مرگ، ستایش مرگ، مرگ تبدیلی وتحول وتکامل بشری از طریق مرگاختیاری، که زمینه ی پذیرش مرگ اجباری را فراهم می سازد درمثنوی معنوی وغزلیاتشمس، مورد بررسی قرار داده ایم.

کلمات کلیدی:

مرگ ستایی، مرگ وعرفا، غزلیات شمس ومثنوی معنوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/639780>

